

تأثیر زیادی داشت. من حتی پیش فرهنگ شریف هم کلاس رفتم. حتی همراه ایشان خواندم. ولی خیلی دلم نمی‌خواست عکس بگیرم و صدا را ضبط کنم. وقتی از دانشگاه برگشتم موسیقی برایم جدی‌تر شد.

**چرا بعد از دانشگاه به سیرجان برگشتید؟**  
دلم می‌خواست در تهران بمانم. آقای توکلی تملس گرفتند و گفتند در تهران نمونه شما هست و ما در سیرجان به شما نیاز داریم و نباید برای همشهری‌های خودمان کار کنیم. البته یک سری مسایل خانواده‌گی هم داشتیم.

**دانشگاه کی تمام شد؟**  
سال ۷۸ دانشگاه تمام شد و به سیرجان آمدم. فکر می‌کنم جزو اولین آموزشگاه‌های استان کرمان راسال ۸۰ افتتاح کردم.

**آخرین کنسرت شما حدود سال ۸۰ بود. چرا بعد از آن تا ماسال کنسرتی نگذاشتید؟**  
اول اینکه مستوطن قدیمی گرفتار زندگی‌شان بودند. من هم درگیر آموزش شدم. هنرجویان آموزشگاه اجرا داشتند ولی خودم نبودم.

**اسم مهرگان از کجا آمده؟**

در دانشگاه برای اجرا گروهی تشکیل دادیم. من پیشنهاد دادم که اسم گروه مهرگان باشد. از جشن‌های ایرانی خوشم می‌آید. همه قبول کردند. بعد اسم آموزشگاه را مهرگان گذاشتم و حالا اسم کنسرت.

**این گروه از کی شکل گرفت؟**  
چند ماه پیش با آقای ارجمند که در گروه ویولن می‌نزد صحبت کردم. به این نتیجه رسیدیم که یک گروه تشکیل دهیم. کم‌کم بچه‌ها جمع شدند همه یکدیگر را می‌شناختند. از این بچه‌ها به غیر از یک نفر بقیه هنرجوی من بودند. اولین اجرای این گروه است و خیلی خوب هستند.

**کی تمرین را شروع کردید؟**  
دو سه ماهی قبل از محرم تمرین را شروع کردم. قرار بود قبل از محرم اجرا کنیم که مشکلی پیش آمد و کنسرت به بعد از محرم موکل شد.

**قطعات ساخته کی بود؟**  
پنج قطعه بودند که همگی را خودم ساختم. نام شعر یکی از قطعات هم از خودم است. می‌شود این آهنگ‌ها را جوری تنظیم کرد تا تکنیکی تر شوند ولی برای این نوع اجرا همین خوب است. ممکن است تکنیکی شوند. شنونده‌ها هستند. شنونده‌ها بگفتند این بچه‌ها چقدر خوب هستند و همه مردم با آنها ارتباط برقرار می‌کنند.

**از برگزاری کنسرت راضی بودید؟**  
بله خیلی خوب بود. فکر نمی‌کردم استقبال این‌گونه باشد. مسئولان همکاری کردند و کنسرت به آرامی برگزار شد.

فقط نت کار نمی‌کردم. نوازی کاستش هست.

**چه شده به دانشگاه رفتید؟**  
عشق به موسیقی باعث شد به

دانشگاه بروم. معلم بودم و کلا با خانواده به تهران رفتم. کنکور دادم و دانشگاه قبول شدم. سه مرحله بود. اول کنکور سراسری، مرحله دوم سوال‌های تخصصی و مرحله سوم هم آزمون عملی داشتیم.

آزمون عملی آقای داریوش طلایی، علیرضا شمایخی و داریوش صفوت امتحان می‌گرفتند. آقای طلایی گفتند چه سازهایی می‌نویسید من هم گفتم تار می‌زنم. ایشان گفتند بزن گفتم بخوانم! گفتند بخوان. وقتی تمام شد چشم‌هایم را باز کردم دیدم همه تعجب کرده‌اند. رو کرد به یک دانشجو دیگر که آنجا بود و گفت: حداقل باید ۱۵ سال ساز بزنید تا به ایشان رسید.

**دانشگاه مفید بود؟**  
خیلی نه. واحدهای درس‌هایی که به دردمان می‌خورد کم بود. باید کلاس خارج از دانشگاه می‌رفتم. آنجا که بودم روزی سه ساعت تمرین می‌کردم. البته استاد های دانشگاه هم تغییر کردند و اوضاع بد شد.

**نت‌ها آنجا یاد گرفتید؟**  
بله کاملاً یاد گرفتم. الان دیگر هنرجو را رویرویم می‌نشانم و نت را برعکس می‌خوانم.

**تا قبل از دانشگاه گوشی یاد می‌دادید؟**  
در آن زمان چه موسیقی‌ای گوش می‌دادید؟

نوازی تار، اول از استاد فرهنگ شریف و بعد هم استاد جلیل شهناز گوش می‌دادم. خواننده هم ایرج، گلپا، محمودی خوشنویس، پریسا و استاد شجریان. کسایی که برنامه گل‌ها را اجرا می‌کردند. من از اینها خیلی یاد گرفتم. اینها معلم اول من بودند. تا دانشگاه من استادی نداشتیم. آقای طلایی می‌گفت استادان کی بوده؟ من هم گفتم از روزی که دانشگاه آمدم. استاد را از نزدیک می‌بینم. از خواننده‌های جدیدی هم باهامین شجریان و سالار عقیلی ارتباط می‌گیرم.

**در تهران که با اساتید از نزدیک آشنا شدید موسیقی برایتان جدی تر نشد؟**  
شدید موسیقی برایتان جدی تر نشد؟



عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

گفت‌وگو با احمد انصاری به بهانه برگزاری کنسرت بعد از ۱۸ سال

## برنامه گلها معلم اصلی من بود

بله سال ۱۳۶۵. در سیرجان که اولین گروه بودیم که بعد از انقلاب اجرا کردیم. فکر می‌کنم در ایران هم جزو معدود گروه‌هایی بودیم که توانستیم اجرا کنیم یکی از افتخارهای بنده این بود. آن موقع سازها را می‌نکستند.

**چطور شد که مجوز دادند؟**  
تنها اتفاق خوب این بود که تمام مسئولان شهر مرا می‌شناختند. یک مشکل با رییس وقت آموزش پرورش پیش آمد ولی آن هم حل شد. من رفتم مجوز گرفتم و در سالن قدیم اجرا شد. برنامه اجرا کردیم.

**چه کسانی عضو گروه‌تان بودند؟**  
سیدرضا شجاعی، توکلی، عظیم میرزاده علی سعیدآبادی، محمد شاهرخی و بقیه را یادم نیست.

**مشکلی برای‌تان پیش نیامد؟**  
من می‌خواندم و تار می‌زدم. آهنگ‌ها هم از خودم بود. نه اصلاً هیچ سازی نشکستند و استقبال خیلی

سیرجانی بود. به سیرجان آمد. وقتی شنید که من در سیرجان آواز می‌خوانم با من آشنا شدند. گفت تار بخر من در خدمت شما هستم و به شما یاد می‌دهم. من هم تار خریدم. البته ایشان چیزی به من یاد ندادند. نمی‌دانم چر می‌دید که گفت تار بخرم ولی وقتی ایشان تار می‌زد من نگاه می‌کردم و یک چیزهایی یاد تاثیر داشتند. آن موقع برق نبود و ما در نصرت‌آباد زندگی می‌کردیم. هر شب همسایه‌ها جمع می‌شدند و می‌گفتند بخوان، من هم می‌خواندم. همه خوش‌شان می‌آمد و حسابی برای آواز خواندن تشویق می‌کردند.

**بعد از آن چه سازی را انتخاب کردید؟**  
سال ۳۵، کلاس ۱۲ بودم. یک سنتور به مبلغ ۵۰ تومان خریدم. دیگر به سازها آشنا بودم و مبتدی نبودم. خودم هفت هشت سالی بازی و سبب سنتور آشنا شدم.

**استاد داشتید؟**  
نه باز هم خودم تمرین می‌کردم و یاد می‌گرفتم. سال ۶۳ سلیمان رسولی که از اساتید موسیقی و اجرا داشتید درست است؟

نه اصلاً در مسابقات راسر می‌دیدم که نی را در دهان‌شان می‌گذراند و می‌نزدند. از رادیو هم نوازی را می‌شنیدم. شروع کردم و البته چند سال نی را اشتباه در دهانم می‌گذاشتم. سال پنجم مسابقات در راسر یک نفر در اردو گانه‌ی می‌زد، من از او پرسیدم شما چطور صدای نی را تاد می‌آورید من جگر می‌کنده می‌شود.

**خانواده‌ها با نواختن ساز در شهرهای کوچک مخالفت می‌کردند. خانواده شما مشکلی نداشت؟**  
نه اصلاً. هم پدر و هم اخوی می‌خواندند. حتی مادر آواز می‌خواند و خوش صدا بود. برعکس آنها تشویق هم می‌کردند. همان تشویق‌ها باعث شد من پیشرفت کنم. حمایت هم‌ولایتی‌ها هم بود. همسایه‌ها خیلی تاثیر داشتند. آن موقع برق نبود و ما در نصرت‌آباد زندگی می‌کردیم. هر شب همسایه‌ها جمع می‌شدند و می‌گفتند بخوان، من هم می‌خواندم. همه خوش‌شان می‌آمد و حسابی برای آواز خواندن تشویق می‌کردند.

**مقام هم آوردید؟**  
یک سال آوردم و تهرانی‌ها حق را خوردند و نگذاشتند اول بشوم.

**سند یا فیلمی از آن موقع ندارید؟**  
نه ندارم. فکر می‌کنم عکس داشته باشم.

**کی سازی خریدید؟**  
همان سال اول دبیرستان. سیرجان که گیر نمی‌آمد.

**از کجا خریدید؟**  
بعد از مسابقات راسر من آمدم سیرجان. پدرم

## سفیران اقتصادی جهان از مجتمع جهان فولاد سیرجان بازدید کردند

# پیشرفته‌ترین «مجتمع فولادسازی» جنوب شرق کشور میزبان سفیران خارجی

به صورت ماده اولیه به خارج از کارخانه ارسال نمی‌شود. وی ضمن اشاره به سرمایه‌گذاری چند هزار میلیارد تومانی در مجتمع جهان فولاد سیرجان، اظهار کرد: «در مجتمع جهان فولاد سیرجان در شرایط سختی کار را شروع کردیم و همه‌ی همکاران به صورت شبانه‌روزی کار کردند. خدا را سپاس که توانستیم به مرحله تولید برسیم و بتوانیم از خام‌فروشی جلوگیری کنیم. اکنون به مرحله صادرات محصولات فولادی رسیده‌ایم. بخشی از محصولات تولیدی جهان فولاد به مصرف داخلی می‌رسد و بخشی دیگر را صادر می‌کنیم.» وی ظرفیت تولید فولاد توسط کارخانه‌های شرکت جهان فولاد را یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن فولاد در سال عنوان کرد. مهندس عباسلو ظرفیت اشتغال در این شرکت را دو هزار نفر اعلام کرد و از اشتغال تعدادی دیگر خبر داد و گفت: «با اجرای طرح‌های توسعه تا پایان سال ۵۰۰ نفر دیگر نیز در این کارخانه مشغول به کار خواهند شد.»

گفتنی است مجتمع جهان فولاد سیرجان، کار خود را در اوج تحریم‌ها و شرایط نامناسب اقتصادی شروع کرد. این شرکت توانست به بهره‌گیری از توانمندی‌های متخصصان داخلی با دستاوردهای مهمی دست یابد و اکنون اولین تولیدکننده آهن‌اسفنجی و شمش فولادی در شهرستان سیرجان و بزرگترین تولیدکننده شمش فولادی و میلگرد در جنوب شرق کشور می‌باشد. تولید میلگرد از سایز ۸ الی ۳۲ محصول کارخانه نورد بردسیر وابسته به مجتمع جهان فولاد است.

همچنین در برنامه سفر سفیران اقتصادی کشورهای خارجی و بازدید آن‌ها از شهرستان، شرکت جهان فولاد سیرجان به عنوان حامی برگزارکنندگان جشن گلیم و پسته در روستای دارستان - روستای جهانی گلیم بود.



محمد محمودآبادی سرپرست فرمانداری ویژه شهرستان سیرجان در بازدید از شرکت جهان فولاد بیان کرد: «فرصتی پیدا شد تا بتوانیم ارزشمندترین ذخایری را که داریم به دنیا معرفی کنیم و ضمن سفر رایزنان اقتصادی به سیرجان، شرکت‌های بزرگی چون جهان فولاد را معرفی کنیم. شرکتی که توانسته سنگ آهن را به شمش و میلگرد و... تبدیل کند. این شرکت بخش زیادی از نیروهای سیرجان و استان را مشغول به کار کرده است.

**شبهانه‌روز کار کردیم**  
مهندس علی عباسلو مدیرعامل شرکت جهان فولاد سیرجان در این بازدید گفت: «این کارخانه تنها مرکز تولید فولاد کشور است که زنجیره تولید از استخراج سنگ آهن تا تبدیل آن به کنسانتره، گندله و شمش فولاد را یکجا متمرکز کرده و هیچ بخشی از مواد معدنی

شورای اسلامی در خصوص محصولات تولیدی مجتمع جهان فولاد گفت: «به دنبال صادرات مواد معدنی و صنایع به جای نفت هستیم و اینکه بتوانیم کشور را با سرمایه و تولید ایرانی اداره کنیم. در شرکت جهان فولاد از خام‌فروشی به مرحله تولید نهایی فولاد یعنی تولید شمش رسیده‌ایم. مجتمع جهان فولاد با مدیریت موفق مهندس عباسلو به کار خود ادامه می‌دهد و در تولید شمش موفق عمل کرده است.»

